

جان‌مایه‌تاریخ

ابن خلدون، سیاستمدار، جامعه‌شناس، تاریخ‌نگار، فقیه و فیلسوف مسلمان در قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری است. در میان صاحب نظران عرب یا ایرانی که در زمینه دولت مطالبی را نگاشته‌اند، شمار بسیار اندکی چون ابن خلدون می‌توان یافتد که دولت را عنوان پدیده‌ای که طبیعتاً متتحول و همچنین در حال تکامل است به حساب آورده‌اند.

جامعه‌ای که ابن خلدون در آن ظهرور کرد از هر عصر دیگر برای فعالیت‌های وی آماده‌تر بود و یکی از دوره‌های پرچوش و خروش تاریخ اسلامی به شمار می‌آمد. ابن خلدون که همواره میان شرق و غرب ممالک اسلامی در آمد و شد بود با ملل و دولت‌های گوناگون چه در ایام شکوفایی و رونق آن‌ها و چه در روزگار ضعف و ناتوانی‌شان، آشنایی یافت و اندیشه دقیق و تحلیل گر وی، با تفکرات و روایات افراد و اجتماعات گوناگون آشنا گشت. حاصل این تعمق و تحقیق، فلسفه اجتماعی وی است که در تاریخ جوامع بشری تأثیری شگرف داشته است.

بی‌گمان داشن عظیم ابن خلدون در زمینه‌های گوناگون، موجب گردیده است تا وی عنوان مورخ، فیلسوف و جامعه‌شناس مطرح گردد، تا آنجا که از وی عنوان بنیانگذار علم الاجتماع (جامعه‌شناسی) یاد شود و همچنین مقدمه‌ای را که ابن خلدون بر کتاب تاریخی خود نگاشته است، وی را عنوان فیلسوف نظری تاریخ مطرح نموده است.

● عباس جباری کوییمان
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران



■ ابن خلدون: مورخ، جامعه‌شناس و فیلسوف

■ نویسنده: ناتانیل اشمیت

■ مترجم: غلامرضا جمشیدیها

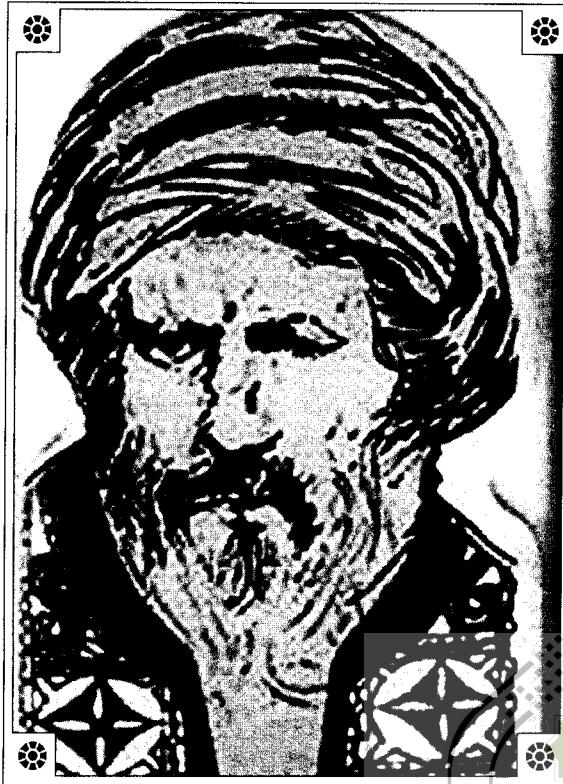
■ ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول، ۱۳۸۸، تعداد صفحات: ۱۰۸

زندگینامه ابن خلدون

ابوزید عبدالرحمن بن محمد معروف به ابن خلدون در سال ۷۲۲ هـ / ۱۳۲۳ م در تونس متولد گردید و به سال ۸۰۸ هـ / ۱۴۰۶ م در قاهره درگذشت. اجداد وی کمی بعد از فتح اندلس به دست مسلمانان به آن سرزمین آمدند، نخست در قرمونه و سپس در اشیلیه (سویل) اقامت گردیده بودند. خاندان بنی خلدون در اندلس از احترام و عزت زیادی برخوردار بودند و بزرگان این خاندان عهددار ریاست‌های دولتی و یا ریاست‌های علمی بودند. به هر صورت خاندان ابن خلدون از اندلس خارج شده و به تونس درآمدند.

عبدالرحمن در تونس دیده به جهان گشود. ابن خلدون به فراگیری قرآن و علوم قرآنی، احادیث، فقه و علوم فلسفی پرداخت و از این طریق با دیدگاه‌های مختلف فقه‌ها و فلاسفه درباره انسان و جهان آشنا شد.

بیشتر تحصیلات ابن خلدون در مسائل عقلی و علوم فلسفی در نزد محمد



ینجا دو روایت وجود دارد اول آنکه پس از تخریب شهر دمشق به دست تیمور، بن خلدون و عده‌ای از دولتانش از شهر گریختند ولی به دست سپاه تیمور اسیر شدند. وی از زند تیمور ازوردن و تیمور اوی خوش آمد خواست تا در رکاب اوی باشد. بن خلدون به ظاهر این درخواست را پذیرفت ولی تقاضا کرد که ابتدا به مصر رود و کتابخانه‌اش را بیاورد. تیمور نیز اجازه داد وی به مصر رفت و در نجاح ماند.^۶ روایت دیگر اینکه هنگامی که شهر دمشق در محاصره بود، بن خلدون نقش عمده‌ای را در تسليم شهر به قوای تیمور داشت و بعد از آن مجدداً به قاهره بازگشت و دوباره منصب قضا را به مدت چندین سال بر عهده داشت تا سرانجام در سال ۱۴۰۸ هـ م در سن ۷۴ سالگی در قاهره درگذشت.

بررسی محتوای کتاب

در میان آثاری که از دریچه‌های گوناگون به این خلدون و اثر وی بهویژه مقدمه پرداخته‌اند، کتاب این خلدون مورخ، جامعه‌شناس و فیلسوف به دلایلی چند اهمیت فراوان دارد. همچنان که از نام کتاب پیداست نویسنده این اثر، با وجود حجم نسبتاً اندک کتاب به زوایای گوناگون علمی این خلدون پرداخته است. نویسنده کتاب، آقای ناتانیل اشمیت (۱۸۶۲-۱۹۳۲) متولد سوئد بوده و تحقیقات خود را در همان کشور به پایان رسانیده است. بعد از آن به امریکا رفته و ابتدا در دانشگاه کل گیت^{۱۰} و سپس در دانشگاه کورنل بعنوان استاد زبان‌ها و

ادیبات سامی مشغول به تدریس بوده است (ص ۲) نویسنده کتاب در اثر خود ابن خلدون را به عنوان مورخ، فیلسوف تاریخ و جامعه‌شناسی، مورد بررسی قرار داده است و جانشک گفته شد با وجود حجم اندک

بن ابراهیم آبلی صورت یافته است وی در نزد آبلی منطق و علوم ریاضی و همچنین مسایل فلسفی را آموخت.

ابن خلدون در کنار فرآگیری علوم، عهدهدار سمت‌های سیاسی نیز گردید، وی در مدت خدمت سیاسی اش چندین بار از سوی حکمرانان مختلف محلی در آفریقای شمالی به مذکوره با بربرها پرداخت و این جریان باعث شد تا او اطلاعات مفیدی در مورد زندگی کوچ‌نشینی و زندگی یکجانشینی و تفاوت میان آن‌ها و همچنین تفاوت میان شهر و روستا به دست آورد. همچنین وی در سال ۷۸۴ هـ ق به قاهره رفت و به امر سلطان برقوق به سمت قاضی القضاطی قاهره منصوب شد.^۶

درگیری‌ها و خونریزی‌های مربوط به سرنگونی موینی‌ها در تونس و مصادف گردیدن آن با طاعونی که در آن سال‌ها در مناطق شرق و غرب بلاد اسلامی شروع یافته بود و منجر به مرگ والدین وی شد که تأثیری عمیق بر این خلدون گذاشت.^۱

پس از آن ابن خلدون تونس را به قصد فاس که در آن هنگام پر رونق ترین پایانخات مغرب اسلامی بود، ترک گفت و در آنجا به سمت منشی علامت (منشی مهر و خاتم رسمی حاکم) سلطان ابواسحاق حفصی منصوب شد. ابن خلدون با حمله ابوزید، فرمادروای قسطنطینیه به آفریقا، از فاس گریخت و مجددًا در سال ۷۵۴ هـ/ ۱۳۵۳ مـ به فاس بازگشت.

وی سپس به بجایه رفت و از سوی سلطان ان دیار ابوعبدالله از او استقبال کرد. میری به عمل آمد و او را به منصب حاجی برگماشت. ولی مدتی نگذشت که ابوالعباس پسرعموی ابوعبدالله بر وی شورید و او را به قتل رسانید. ابوالعباس در ابتدا ابن خلدون مورد حمایت خود قرار داد ولی سپس از وی برتفات و ابن خلدون به سبب دوستی که میان او و امیر بسکره بود به آنجا رفت و شش سال را در بسکره گذرانید. ابن خلدون در این مدت نیز به خدمات سیاسی خود ادامه داد. بنا به آنچه مورخان اروپایی بیان کرده‌اند، دوران زندگی ابن خلدون را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

موارد یاد شده در فوق، بخش اول زندگانی وی را دربرمی‌گیرد که از سال ۷۵۴ هـ/ ۱۳۵۷ م تا ۷۷۶ هـ/ ۱۴۲۶ م و به مدت ۲۲ سال است. اما مرحله‌ای دوام زندگی این خلدون انزوا گزیند وی در قلعه این‌سلامه به همراه همسر و فرزندش است. در این سال‌هاست که این خلدون فارغ از همه مشاغل به تأییف کتاب می‌پردازد و اثر مشهور خود را یعنی مقدمه راه به رشته تحریر درمی‌آورد. پس از پایان مقدمه به نوشتن کتاب تاریخی خود موسوم به کتاب العرب و دیوان المستاد و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصر هم من ذوی السلطان الاعکر اقدام می‌کند. مرحله سوم زندگی این خلدون شامل پرداختن تدریس و امور قضایی می‌شود وی ابتداء به تونس بازمی‌گردد و بخش‌هایی از کتاب خود را در آنجا به نگارش درمی‌آورد؛ اما به دلیل برخی دساییں علیه وی به قصد حج از تونس خارج شده و به سوی مصر رفت. این خلدون در سال ۷۸۴ هـ/ ۱۳۸۲ م وارد مصر شد و بعد از مدتی در جامع الازهر به تدریس پرداخت. در این ایام وی سفرهایی را به حجاز و بیت المقدس نیز داشته است.

در سال ۸۰۲ هـ/ ۱۴۰۰ میلادی تیمور به سوریه لشکر کشید. سلطان مصر برای مقابله سیاه را به سوریه گسیل داشت که این خلدون نیز همراه این سپاه بود. در

مباحثت ابن خلدون در زمینه اجتماعات انسانی دارای دو اصل است: ۱- انسان مدنی الطبع است و از این رو از اجتماع چاره‌ای ندارد و این اجتماع مولود دوگونه نیاز انسان است نیاز به غذا و نیاز به دفاع از خویش ۲- چون این اجتماع تشکیل یافت و عمران پدید آمد، آدمی نیازمند به قانون است تا از افراد دفاع کند

جان‌ماهه تاریخ

فصل سوم کتاب با عنوان فلسفه تاریخ، ابن خلدون را به عنوان اولین فلسفه نظری تاریخ معرفی می‌کند و در آن به علل ذکر چنین ادعایی پرداخته است. درواقع ابن خلدون معتقد به حرکت دوری در تاریخ است. وی بر این اعتقاد است که حکومتها، پنج مرحله طی می‌کنند:

۱- دوران فتح و استیلا-۲- دوران خودکامگی و تسلط بر قبیله و تشکیل دودمان-۳- دوران دستیابی به اوج قدرت-۴- دوره انحطاط-۵- دوران سقوط ابن خلدون مبنای فلسفه تاریخ خود را بر عصیت نهاده است این عنوان در نوشته ابن خلدون به معنای تعصب قومی و دفاع از قومیت بکار رفته است^{۱۳} که در مرحله اول در اوج است، در مرحله آخر دیگر نشانی از عصیت دیده نمی‌شود. در حقیقت ابن خلدون خود را کافش حوزه و ماهیت حقیقی تاریخ می‌دانست. به عقیده او تاریخ علمی است که به پدیده‌های اجتماعی زندگی بشر می‌پردازد (ص ۳۱)

در هیچ یک از نوشته‌های پیشینیان مفهومی از وجود تاریخ به عنوان یک علم خاص که تمام پدیده‌های اجتماعی زندگی بشر موضوعش باشد، دیده نمی‌شود (ص ۳۴) در حقیقت این دیدگاه ابن خلدون حوزه تاریخ را گسترش می‌دهد. ابن خلدون کشف کرده که تاریخ یک علم است (ص ۳۵) و آن را علمی روشنمند می‌داند. در حقیقت روشی که ابن خلدون برای تاریخ در نظر دارد شامل جمع‌آوری اطلاعات، بررسی و تدقیق در روایات و اطلاعات تاریخی، تفسیر روایات تاریخی، طبقه‌بندی و قراردادن حقایق در یک رابطه پیدایشی و تنظیم قوانین کلی حاکم بر تاریخ است.

آثاری چون شاهزاده از ماکیاول (۱۵۲۰ م)، حکومت مدنی از جان لای انگلیسی (۱۶۹۰ م)، کتاب علم جدید اثر ویکو (۱۷۲۵ م)، طبیعت امم و فلسفه تاریخ از ولتر (۱۷۵۵ م) و کتاب آراء فلسفی در تاریخ بشوار از هودر آلمانی (۱۷۲۲ م)، آثاری هستند که پس از مقدمه ابن خلدون (۱۳۷۷ م) تأثیف شده‌اند و در آن‌ها بطور مستقیم به فلسفه تاریخ اشاره نشده، بلکه تمامی این آثار به طور ضمنی در فلسفه تاریخ به بحث و بررسی پرداخته‌اند. زمانی که کتبی چنین را که به آن‌ها اشاره رفت، مورد مطالعه قرار می‌دهیم، شاهد این موضوع هستیم که ابن خلدون در این علم مقامی بس رفیع دارد.^{۱۴}

نظر رویرت فلت در مورد ابن خلدون چنین است که از جنبه علم تاریخ یا فلسفه تاریخ، ادبیات اسلام به نامی آراسته است، نه عصر کلاسیک در قرون قدیم و نه مغرب زمین در قرون وسطی هیچ یک تنوانته‌اند سخن‌صیتی را که در درخشش همپایه او باشد، به جهان علم ارزانی دارند. زمانی که به ابن خلدون به

شناختی جامع و دقیق از اندیشه و حیات فکری ابن خلدون برای خوانندگان اثر فراهم آورده است. یکی از نکات بازی کتاب این است که ابتداء اندیشه‌ها و حیات فکری ابن خلدون پرداخته شده و پس از آن نگاهی کوتاه به زندگی ابن خلدون انداخته شده است. این کتاب در هشت فصل تدوین شده است.

فصل اول کتاب تحت عنوان کشف ابن خلدون، به نحوه آشنایی متفکران غربی با ابن خلدون پرداخته است. در این فصل گزارش دقیق و کاملی از داشمندان غربی و نحوه آشنایی و تحقیق آنان در اثر ابن خلدون از حود چهارصد سال پس از مرگ وی تا زمان حیات نویسنده، ارائه شده است. وجود اسامی زیاد از اندیشمندان غربی در این فصل از تحقیق و تعمق زیاد مغرب زمین در اندیشه و آرای ابن خلدون و همچنین تأثیری را که ابن خلدون بر حیات فکری مغرب زمین گذاشته است بیان می‌دارد. فصل دوم کتاب به ابن خلدون به عنوان یک مورخ نگریسته است. سؤال اصلی مطرح شده در این فصل این است که آیا ابن خلدون واقعاً یک مورخ بزرگ بود؟ (ص ۱۹)

همچنان که پیشاست یگانه اثر تاریخی ابن خلدون که باقی مانده است العبر است. آنچه که در عنوان طولانی نام کتاب درخور اهمیت است کلمه عبر است. عبر جمع عبرت و عبرت پلی بود که ابن خلدون اندیشه خود را از طریق آن از وقایع تاریخی به ماهیت و علل آن‌ها عبر می‌داد و آنگاه به خود وقایع بازمی‌گشت. اصطلاح عبرت در نزد ابن خلدون متراوف با نظر، استدلال، فهم و شرح وقایع تاریخی با استفاده از منابع مهم است.

چنانکه خود ابن خلدون در متن کتاب خود عبرت را حرکتی از امور خارجی تاریخ به سوی ماهیت داخلی آن بیان می‌کند و بدین گونه این تلاش که با تحقیق و کاوش علمی یا فلسفی بسته می‌آید را جزی از حکمت می‌نماید. بنابراین العبر نه تنها حلقة ارتباطی میان تاریخ و حکمت، بلکه فرایندی است که توسط آن تاریخ با هدف فهم ماهیت آن مورد تعمق و تفکر قرار می‌گیرد.^{۱۵}

درواقع ابن خلدون در شیوه تاریخ‌نگاری خود تنها به ضبط و نقل وقایع پرداخته، بلکه بیشتر هدف وی تحلیل علل وقایع تاریخی و نیز قوانین عام نهفته در تاریخ و ماهیت این قوانین است. تاریخ‌نگاری که مورخ را به جستجو و کاوش در مورد علل بروز حوادث و ایامی دارد و نیز اینکه در این راه مورخ باید آنگاهی به علوم گوناگون دیگر نیز داشته باشد. درواقع در نظام مفهومی ابن خلدون نسبت به گستره تاریخ، پدیده‌هایی از قبیل جنبش‌های اقتصادی، اخلاقی، هنری و ادبی مورد توجه وی بوده است و هیچ‌گونه پیشداوری مذهبی وی را از مطالعه و ارزیابی آن‌ها بازنشاست (ص ۲۶)

درآمد، دوباره در معرض شکست قرار می‌گیرد و مغلوب جامعه بدوى جدیدتری می‌شود.^{۱۴}

لازم به یادآوری است که نظریه‌های ابن خلدون توسط اندیشمندانی چون هنگل و کارل مارکس تکامل یافت اما نظریات ابن خلدون از این جهت حائز اهمیت است که جهان غرب در آن زمان درگیر جرمیت خود در قرون وسطی بود.

فصل پنجم کتاب به زندگی و حیات سیاسی ابن خلدون پرداخته است. از نکات جالب کتاب می‌توان به این مورد اشاره کرد که بررسی زندگی ابن خلدون نه به عنوان فصل نخستین بلکه به عنوان فصل پنجم کتاب آمده است. فصل ششم کتاب تحت عنوان نسخه‌های موجود، فهرست وار به ذکر مکان‌هایی که نسخه‌ای از اثر ابن خلدون در آنجا موجود است، همراه با مشخصات کتابخانه‌ای و به ترتیب حروف الفبا پرداخته است. در ضمن در انتهای فصل نام شش نسخه که هنوز تأیید نشده‌اند، آمده است.

فصل هفتم کتاب ذکر نسخه‌هایی است که گزیده و یا قسمتی از اثر ابن خلدون را دربردارد. در فصل پایانی، یعنی فصل هشتم ترجمه‌های اثر ابن خلدون به زبان‌های ترکی، فرانسوی، ایتالیایی، لاتین، آلمانی، روسی و انگلیسی آمده است. ترجمه فارسی المقدمه، تحت عنوان مقدمه ابن خلدون توسط محمد پروین گنابادی و در سال ۱۳۳۶ هش صورت پذیرفته است.

پی‌نوشت

۱- لمتون، آن.کی، اس، دولت و حکومت در اسلام، سید عباس صالحی و محمد مهدی فقیهی،

چاپ دوم، تهران، مؤسسۀ چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۰، ص ۲۶۱

۲- فاخوری، حنا و خلیل جو، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، عبدالرحمان آیتی، چاپ ششم،

تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۷۰۹

۳- فاخوری، حنا، همان، ۱۳۸۱، ص ۷۱۲

۴- لمتون، همان، ۱۳۸۰، ص ۲۶۲-۲۶۱

۵- بیات عزیزانه، شناسایی منابع و مأخذ تاریخ ایران، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۱۲

۶- ابن خلدون، مقدمه، پروین گنابادی، جلد اول، چاپ دهم، تهران، انتشارات علمی و

فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۶۴

۷- مجتبی‌ی، کریم، فلسفه تاریخی، چاپ دوم، انتشارات سورش، ۱۳۸۵، ص ۷۶

۸- فاخوری، حنا، همان، ۱۳۸۱، ص ۷۱۶

۹- لمتون، همان، ۱۳۸۰، ص ۲۶۵

۱۰- Colgate University

۱۱- Cornell University - لمتون، همان، ۱۳۸۰، ص ۲۶۷-۲۶۶

۱۲- مجتبی‌ی، همان، ۱۳۸۵، ص ۸۸

۱۳- فاخوری، حنا همان، ۱۳۸۱، ص ۷۷۸

۱۴- Flint Robbert, Historical philosophy, Edimbourg ۱۸۹۳

۱۵- فاخوری، حنا همان، ۱۳۸۱، ص ۷۷۷

۱۶- ادبی، حسین و عبدالمعبود انصاری، نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ سوم، تهران،

انتشارات دانزه، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰

۱۷- ادبی، حسین، همان، ۱۳۸۷، ص ۱۱۱

عنوان یک مورخ نگریسته می‌شود، نویسنده‌گانی در جهان اسلام بافت می‌شوند که بر وی برتری داشته‌اند. اما زمانی که به عنوان واضح نظریات در تاریخ، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد باید گفت که تا سیصد سال بعد که ویکو ظهور نمود، ابن خلدون بی‌مانند است. آنچه که در او موجب اعجاب است روح ابتکار و فراست و تعمق و احاطه اوتست. هر کس مقدمه را بدون غرض بخواند، اعتراف خواهد کرد که ابن خلدون به حق، عنوان مؤسس علم تاریخ و فلسفه تاریخ را نصیب خویش ساخته است و این عنوان از میان همه نویسنده‌گان دیگر بیش از ویکو، بطور مسلم شایسته ابن خلدون است.^{۱۵}

فصل چهارم کتاب به معرفی ابن خلدون به عنوان جامعه‌شناس پرداخته است در حقیقت مترجم این اثر، علت ترجمه این کتاب را اظهار نظری دانسته است که از ناتائلیل اشمیت که در پشت جلد دوم مقدمه ابن خلدون آورده شده است، مبنی بر این که «ابن خلدون در دانش جامعه‌شناسی به مقامی نائل آمده است که حتی اگوست کنت هم در نیمه قرن نوزدهم بدان نرسیده است» (ص ۲) نویسنده کتاب در ابتدای فصل این اشاره را دارد که ابن خلدون متوجه این موضوع نشده بود که او بیشتر بینانگذار جامعه‌شناسی بود تا تاریخ علمی (ص ۴۵)

ابن خلدون از جمله متفکرانی است که در عصری که هنوز علوم اجتماعی و بطور خاص جامعه‌شناسی ایجاد نگرددیده بود، از علمی با عنوان علم عمران سخن می‌راند. موضوع اصلی این علم بررسی تغییرات اجتماعی در دوره‌های گوناگون تاریخی است در حقیقت هرچند آگوست کنت (۱۸۵۷-۱۸۹۸ م) عنوان بایه گذار علم جامعه‌شناسی شناخته می‌شود، اما با دقت در مقدمه ابن خلدون و نظرات او درباره علم عمران، به حق از وی می‌توان بعنوان مؤسس و بنیانگذار دانش جامعه‌شناسی نام برد.

زمانی که به مباحث ابن خلدون در زمینه اجتماعات انسانی می‌نگریم، دو اصل را در آن درمی‌یابیم: ۱- انسان مدنی الطبع است و از این رو از اجتماع چاره‌ای ندارد و این اجتماع مولود دوگونه نیاز انسان است نیاز به غذا و نیاز به دفاع از خویش ۲- چون این اجتماع تشکیل یافته و عمران پیدی‌آمد، ادمی نیازمند به قانون است تا از افراد دفاع کند. آراء و عقاید ابن خلدون سنگ بنای علم نوینی به نام علم اجتماع یا جامعه‌شناسی شد.^{۱۶}

عدمی از جامعه‌شناسان معتقدند که ابن خلدون پیش رو مکتب تضاد یا دیالکتیک در جامعه‌شناسی است. ابن خلدون در مقدمه، با استفاده از مفاهیمی چون انسان اجتماعی، تضاد اجتماعی، انگاره‌های اجتماعی و انسجام وحدت اجتماعی، برای نخستین بار نظریه جدیدی درباره تحولات اجتماعی راهه کرد است.^{۱۷} از دیدگاه ابن خلدون جامعه پدیده‌ای در حال تغییر و دگرگونی و تحول است و جامعه‌ای رانی توان یافت که ایستا باشد. در حقیقت جوامع در اثر تصادمات میان گروه‌ها یا ساخته‌های اجتماعی گوناگون پیوسته در حال ظهور و سقوط هستند. اما مهم ترین مفهوم برای ابن خلدون، مفهوم انسجام اجتماعی است. او اساس انسجام اجتماعی را در روابط قبیله‌ای و خانوادگی دانسته است.

ابن خلدون برای نخستین بار اشاره می‌کند که بین دو ساخت اجتماعی عمران بدوى (بادیه‌نشینی) و عمران حضری (شهرنشینی) تضاد دائمی وجود دارد. عمران حضری (شهرنشینی) نسبت به عمران بدوى (بادیه‌نشینی) از وحدت اجتماعی کمتری برخوردار است و جامعه بدوى زمانی که بصورت جامعه شهری